

کربلا در نوشته‌های جهان‌گردان

سلمان هادی آل طعمه*
ترجمه محمد مهدی رضایی

چکیده

از روزگار قدیم گردشگران و مسافران بسیاری از سراسر دنیا به شهر مقدس کربلا سفر کرده‌اند. برخی از آنان مستقل یا ضمن مکتوبات خود گزارش‌های بازدیدشان را مکتوب کرده‌اند که مطالعه آن می‌تواند تصویری از آن مکان والا و فرهنگ و رسوم ساکنان آنجا ارائه کند. بخشی از این توصیفات معتبر است و بخشی نیز از دقت لازم برخوردار نیست و متکی بر اطلاعات ناقص است که باید ارزیابی شود. در این مقاله گوشه‌ای از مکتوبات جهانگردان و گردشگران درباره کربلای معلی، بر حسب تقدم و تأخر، تهیه و تنظیم شده است. امتیاز این نوشتار، تدوین مؤلف نامی عراق سیدسلیمان آل طعمه است که بیش از شصت اثر درباره تاریخ و میراث کربلا را قلمی کرده‌اند. از این رو تکیه مؤلف بر انتخاب نکات و گزارش‌های مهم است و این مقاله با تحفظ بر ساختار ترسیمی مؤلف به ترجمه و ارائه آن پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: کربلا، سفرنامه، گردشگران، آل طعمه.

*. محقق و نویسنده.

کربلا یک مرکز اسلامی مقدس است که با شهادت امام حسین علیه السلام در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری (۲۸۰ م) به ظهور رسید. بسیاری از گردش‌گران و بوم‌گردان و مسافران از روزگار قدیم بدین سرزمین روی آورده که گزارش‌ها و نوشته‌هایشان از این سفرها نقش به‌سزایی در شناساندن سرزمین‌های بزرگ اسلامی از جهتی، و معرض نشانه‌های فرهنگی و سیاحتی مسلمانان از جهتی دیگر داشته است.

بررسی واقعیت‌های جوامع در حال پیشرفت، از جمله جوامع اسلامی، تلاشی همه‌جانبه و آگاهی‌های عمیق بسیاری می‌طلبد تا آنچه نوشته و ثبت می‌شود کاملاً با صبغه علمی و نگاهی فراگیر ارائه شود. بیشترین سفرنامه‌ها به زبان‌های مختلف - از لغات شرقی همچون ترکی و هندی و فارسی تا زبان‌های غربی همچون آلمانی و فرانسوی و انگلیسی و ایتالیایی - به نگارش درآمده است. از سوی دیگر بازدیدکنندگان کربلا - در جایگاه یک شهر بزرگ تاریخی و اسلامی - تنها علمای تاریخ، عده‌ای باستان‌شناس، و بزرگان ادب و هنر و دانشورانی که مدتی در این شهر ساکن بوده و مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف شهر را می‌شناخته و از دیده‌ها و شنیده‌های خود کتاب‌های مفصلی پدید آورده‌اند نیستند، بلکه افراد بسیاری از اقصی نقاط عالم به این سرزمین می‌آیند. کربلا، طی عصرهای متوالی، از حکام جور مصائب بزرگی دیده که در گزارش‌های جهانگردان و گردشگران آمده است و در مطالعه تاریخ این شهر به کار می‌آید.

اما تا به حال بررسی شامل و کاملی درباره این نگاشته‌ها صورت نگرفته و اکثر بررسی‌ها در این زمینه در سطح سرزمینی و استانی بوده که ضمن آنها به کربلا نیز پرداخته شده است. بنابراین توجه به موضوع، از جهت اهمیت و شمول بررسی‌های انجام شده در آن است و ما در این مقاله گوشه‌ای از مکتوبات جهانگردان و گردش‌گران درباره کربلا را بر حسب تقدم و تأخر زمانی در معرض دید خوانندگان قرار می‌دهیم:

ابن بطوطه

ابن بطوطه در سال ۷۲۶ هجری (۱۳۲۶م) از کربلا دیدن کرد و درباره آن چنین نوشت: کربلا شهر کوچکی است با باغ‌های نخل در پیرامون آن که از آب فرات آبیاری می‌شوند. روضه مقدسه داخل این شهر است. کنار حرم حسینی علیه السلام مدرسه‌ای بزرگ و مسجدی با عظمت قرار دارد که در آن برای زائران غذا تدارک می‌شود. بر در روضه مقدسه نگهبانانی ایستاده‌اند که جز با اذن آنها نمی‌توان داخل شد. عتبه شریفه را که از نقره است باید بوسید و بالای ضریح مقدس قندیل‌های طلایی و نقره‌ای دیده می‌شود. پرده‌های ابریشمین زینت بخش درهای ورودی است. ساکنان این شهر دو طایفه‌اند: اولاد زحیک و اولاد فائز و همواره میان این دو جماعت جنگ و جدال است، با اینکه هر دو هم امامیه و دارای یک ریشه مشترک هستند و همین اختلاف عامل اصلی در ویرانی شهر کربلاست.

تثیرا

کاروانی که تثیرا، جهانگرد پرتغالی، در آن بود در ۲۴ ایلول سال ۱۶۰۴ میلادی (۱۰۱۳ق) به کربلا رسید. وی درباره سفر خود به کربلا می‌نویسد:

کربلا (شهادتگاه حسین علیه السلام) چهار هزار خانه دارد که بیشتر آنها ویران و فرسوده است و اغلب ساکنان آن عرب‌هایند و شماری ایرانی و ترک‌ها در بعضی مناطق خدمتگزاری اشراف و بزرگان را می‌کنند... بازارهای کربلا به صورت عالی و از آجرهای بزرگ بنا شده‌اند و انواع خوراکی‌ها و دیگر نیازمندی‌ها در آنها یافت می‌شود و انواع کالاهای تجاری در آن عرضه می‌گردد؛ چراکه از بسیاری شهرها و آبادی‌های اطراف، مردمان برای خرید و فروش به این شهر رفت‌وآمد دارند. سقایان با مشک‌های پرآب و پیاله‌های مسین در کوچه‌ها می‌گردند و مردم تشنه را سیراب می‌کنند. در کربلا ارزاق فراوان، و قیمت‌ها پایین است و

حبوبات و میوه‌ها و گوشت و دیگر چیزها به وفور عرضه می‌گردد... من خود شاهد بودم که عرب‌های طرفدار «ناصر مهنّا» در میانه روز اسب‌ها و اثاث و جامه‌ها و سلاح‌هایی را که از کارکنان دولت عثمانی در کربلا به غنیمت گرفته بودند - آن‌هم پس از قتل و اسارت شماری از آنان - به مرم می‌فروختند و این نشان از عدم امنیت شهردر آن وقت داشت که ترک‌ها درگیر جنگی خانمان سوز با ایرانی‌ها بودند.

رافائلا فولیه

این گردش‌گرایتالیایی، که در سال ۱۶۱۶ میلادی (۱۰۲۵ق) در کربلا اقامت داشته، می‌نویسد:

پس از راهپیمایی نیم‌روزه به سمت راست، به مشهد حسین علیه‌السلام می‌رسیم که آنجا مدفون است و جماعت بسیاری پیرامون مزارش ساکن‌اند. ضریح وی تزیین شده است و بنایی عظیم به سبک اسلامی آن را دربر گرفته و مکان مقدسی جهت زیارت مسلمانان به شمار می‌رود. در آن زمان که ما از کربلا عبور می‌کردیم، این شهر تحت حاکمیت قزلباش‌های فارس بود که آن منطقه و سرزمین‌های منطقه بغداد را از ترک‌ها ستانده بودند و این چیز بعیدی نبود. می‌بایست در آنجا توقف می‌کردیم و مالیاتی مخصوص به شیخ آن بادیه، یعنی ناصر بن مهنّا، می‌پرداختیم.

عباس مدنی

وی در سال ۱۱۳۰ هجری (۱۷۱۷م) از کربلا دیدن کرد و در توصیف آن نوشت:

دو ماه را در مشهد امام حسین علیه‌السلام به سر بردیم. گویی قطعه‌ای از بهشت است. دارای نخل‌های بالا بلند و آبی گوارا از شط فرات. ماه‌های تابنده، نورهایش روشنی‌بخش و ساکنانش گشاده‌رو، خانه‌هایش چنان خانه‌های بهشتی.

مردمانی بزرگوار و بی‌مثال در این شهر می‌زیند و جز با انسان‌های شریف و رؤسایی با خلق و خُلق زیبا و عالمانی فرهیخته و منصف، که غریب را دوست می‌دارند و همگان از نیکی‌ها و خیرات سرشارشان بیشترین بهرمندی را دارند، مواجه نخواهی شد.

فیلیپ کرملی

وی در سال ۱۶۲۹ میلادی (۱۰۲۹ق) مدتی در عراق بود و در آن زمان از ویرانه‌های بابل دیدار کرد. از آنجایی که کربلا شد و اهالی آن شهر را این‌گونه توصیف کرد:

مردمان این شهر مقدس انسان‌هایی خوش اخلاق و شجاع هستند. چون خبر سقوط مسجد مکه را شنیدند، شیون کردند و اندوه در همه شهر فراگیر شد و مصیبت چنان بالا گرفت که گویا قیامت نزدیک شده است. اهل کربلا به شدت به دین اسلام و آیین‌های آن وفادار و پایبندند و در آستانه ماه رمضان خود را برای ورود به آن مهیا می‌سازند. ظروف‌های خود را به سفیدگری می‌سپارند و شروع می‌کنند به فراهم نمودن خوراکی‌های مناسب این ایام. آن‌گاه پیش از رسیدن ماه مبارک، مؤذن قبل از نماز عشا برفراز مأذنه ماه رمضان را به همه خوشامد می‌گوید. با خواندن قرآن به پیشواز ماه رمضان رفتن از سنت‌های دینی مردم کربلاست... از جمله ویژگی‌های ایشان آن است که اگر در چنین سفر با ماری مواجه شوند، آن را به فال نیک می‌گیرند؛ چون معتقدند اسم مار «حیّه» از حیات، یعنی زندگی و بقا، گرفته شده است.

کارستین نیپور

این جهان‌گرد آلمانی سال ۱۷۶۵ میلادی (۱۱۷۹ق)، پس از هفت ساعت طی مسافت بین حله و کربلا پشت چهارپا، چون به کربلا رسید، در مقایسه میان آن شهر و نجف، کربلا را از جهت باغ‌های نخل و خانه‌های مسکونی آبادتر از نجف دید؛ با این تفاوت که

خانه‌های کربلا چون از آجر و خشت ناپخته بنا شده بودند، استحکام نداشتند. به گفته وی، «کربلا با دیوارهای ساخته شده از خشت‌های خشک شده به آفتاب محصور گردیده و پنج دیوار، که در آن روزگار ریخته و فرسوده شده بودند، آن را در بر گرفته‌اند».

اولیویه

وی در سال ۱۷۹۹ میلادی (۱۲۰۹ق) از کربلا دیدن کرد و در خاطراتش نوشت:

مشهد علی بن ابی طالب تنها زیارتگاهی نیست که زائران در مسیر حج آن را زیارت می‌کنند. حرم حسین بن علی نیز مقصد دیگر آنان است. قبر حسین علیه السلام در شهر کربلاست. وی با تعداد زیادی از نزدیکان و اصحابش در واقعه کربلا کشته شد. بنا بر نقل تاریخ، حسین علیه السلام پس از مرگ معاویه با ۱۵۰ نفر همراه خود در پاسخ به انتظار یاران خود در کوفه راهی آن شهر شد؛ اما یزید بن معاویه سپاهی شش هزار نفری را برای سرکوب او گسیل داشت و میان آنان جنگی بزرگ در گرفت. لشکر یزید حسین بن علی علیه السلام را در حالی که سلاح در دست داشت به شهادت رساندند و این معلوم می‌دارد که وی تا آخرین نفس در برابر آن مردمان کینه توز ایستاد و کوتاه نیامد. پس از شهادت حسین علیه السلام نزدیک میدان معركة بقیعه ای برای او برپا کردند و بعدها در کنار مزار او مسجدی ساخته شد و اندک اندک پیرامونش شهر کربلا به وجود آمد.

ابوطالب خان

در روز چهارم ماه ذی قعدة سال ۱۲۱۸ هجری (برابر با روز اول مارس سال ۱۸۰۳ میلادی) ابوطالب خان سفر خود به کربلا را آغاز کرد. وی می‌نویسد:

پس از هشت روز اقامت در بغداد، سفر به مشهد کربلا و مشهد نجف اشرف را شروع کردم. این بار جناب پاشا را از نیت و حرکت خود آگاه نمودم و پنهانی اسب و قاطری کرایه کردم و با درشکه چی هماهنگ کردم که در طول سفر با من باشد و محتاطانه رهسپار شدیم. در میانه راه با هر کسی برخورد می‌کردیم، در

هر جا که بودیم، به نیکی مورد پذیرایی و استقبال قرار می‌گرفتیم. از دیدار قاضی کربلا، ملا عثمان، که مردی سنی بود و داشت به کربلا بازمی‌گشت، خوشحال شدم. وی انسانی عالم و فرهیخته بود و چیزی از قضاوت‌های بی‌اساس و وهمی که توده مردم به آن دچارند در فکر و سخن او نبود و دانستم که او نیز از دیدن من مسرور گشته و می‌خواهد که تا کربلا با او همراه باشم.

در فاصله بین بغداد و نجف، در هر هشت مایل کاروانسرای ساخته از آجر و به شکل قلعه وجود داشت که کمتر کسی در آنها اقامت می‌کرد. در اولین روز، چهل مایل مسافت طی کردیم و شب را در کاروانسرای مزراقچی سپری نمودیم و آن‌گاه در سه ساعت گذشته از روز دوم وارد کربلا شدیم. به خانه سید حمزه، که برادرش را در مقصودآباد بنگال می‌شناختم، رفتیم تا برای بار دوم او را در کربلا ببینم؛ غافل از اینکه چند ماه پیش از ورود ما از دنیا رفته بود. با این همه پدرش استقبال گرمی از ما کرد و بنده را در انجام مناسک زیارت همراهی نمود. یک روز حاکم شهر کربلا، امین‌آغا، با ادب بسیار به دیدارم آمد و از من خواست با او هم سفر شویم و خود اسبی را برای رفتن به نجف در اختیارم گذاشت و اصرار کرد که کرایه را خود بپردازد و اگریم محروم شدن از ثواب زیارت نبود، هرگز از بذل و بخشش را نمی‌پذیرفتم.

در کربلا عمه ام کربلایی بیگم و تعدادی از زنان نزدیک او را ملاقات کردم. فقر و تنگدستی خانواده ما این زنان را ناچار به ترک وطن و گوشه‌گیری و انزوا در کربلا ساخته بود. این دیدار غیرمنتظره بسیار برای بنده شادی‌آور بود. وقتی فهمیدم وهابی‌ها تمام دارایی‌شان را به تاراج برده‌اند در حد توانایی خود با چند کمک مالی بعضی آن خسارت‌ها را جبران کردم.

مُنشی بغدادی

وی، که سال ۱۲۳۷ هجری راهی کربلا شد، در توصیف این شهر می‌نویسد: از جمله مناطق اطراف بغداد قصبه کربلاست با پنج هزار خانه. روضه حسینی

نیز آنجاست. کربلا پانزده فرسنگ با بغداد فاصله دارد و در این بین پنج کاروانسرا ساخته شده؛ کاروانسرای کهنه دو فرسنگ، کاروانسرای خان آزاد چهار فرسنگ، کاروانسرای خان مسیب برکناره فرات از بغداد فاصله دارند. در اطراف خان مسیب حدود چهار خانه دیده می شود. از آنجا با گذشتن از پل روی فرات و طی پنج فرسنگ به کربلا می رسیم. از رود فرات، شاخه ای به سوی کربلا جاری می شود که به آن نهرالحسین می گویند. در کربلا و به وسعت چهار فرسخ باغ های خرما چشم ها را می نوازد. از کربلا باید به سوی شفاثا رفت با طی مسافتی حدود هشت فرسنگ. شفاثا را که پیش تر «عین التمر» می نامیدند بالغ بر هزار خانه دارد و باغ های خرما و انار و آب فراوان به وفور در آن موجود است.

فریزر

این گردش گراسکاتلندی در سال ۱۸۳۴ میلادی (۱۲۵۰ق) به کربلا سفر کرده است.

وی می گوید:

کربلا یک سره در حال شورش و اغتشاش است. حاکم کربلا، یرماز، و آدم کش ها و اوباش بسیاری که در این شهر هستند نمی توانند از لشکری که باشا علیه آنان گسیل داشته مانع شوند و این لشکرتا آنجا پیش رفته و بر همه شهر مسلط گشته که احدی را جرئت مخالفت با آنان نیست؛ وگرنه به سختی مجازات می شود و کار فساد و بی بندوباری شان به آنجا کشیده که اگر خبردار شوند یکی از زائران زنی یا خواهری زیبا به همراه دارد، به سراغش می روند و مجبورش می کنند آن زن بیچاره را در اختیارشان بگذارد و در صورت امتناع وی را به حيله های مختلف می دزدند. در موارد متعددی دیده شده که زنی به مدت یک هفته یا بیشتر ناپدید گشته و آن گاه با حالی نزار و مصیبت بار به خانواده خود مراجعت نموده است.

نیکولاویچ

این مستشرق و جهان‌گرد روسی در نیمه سال ۱۸۴۳ میلادی (۱۲۵۹ق) از کربلا دیدن کرده است. وی می‌نویسد:

این روزها نافرمانی مدنی در کربلا علیه حکومت داودپاشا و علی‌پاشا، به بهانه غارت و چپاولگری ترک‌ها و گرفتن مالیات‌های خارج از توان مردم مسئله اصلی است. فرماندهی معترضان کربلا را سیدابراهیم زعفرانی برعهده دارد که می‌گویند ده هزار جنگجورا بسیج کرده و آنها توانسته‌اند در مقابل هجوم نیروهای علی‌پاشا مقاومت کنند. نهایتاً محمدنجیب‌پاشا سپاهی به سرکردگی کرد محمدپاشا را مأمور محاصره کربلا نمود و این سپاه ۲۳ روز این شهر مقدس را آماج توپخانه خود قرار داد و به گفته شاهدان در این مدت حدود ۲۴ هزار تن از ساکنان کربلا کشته شدند.

چریکوف

این گردش‌گر روسی درباره دیده‌های خود از کربلا در سال ۱۸۴۹ میلادی (۱۲۶۶ق) چنین می‌نویسد:

در سال ۱۸۴۹ میلادی سی هزار زائر از راه بغداد به کربلا وارد شدند؛ در حالی که در زمان‌های عادی شمار زائران در یک سال حدود بیست هزار می‌باشد. مسلمانان جنازه‌های مردگان خود را در فصل زمستان وارد کربلا می‌کنند و سالانه بالغ بر پنج هزار تابوت و گاه ده هزار تابوت به این شهر می‌رسد. هزینه نقل هر پنج تابوت یک قران است. رئیس مرکز پلیس ترکیه برای دستگیری مجرمان فراری معمولاً تابوت‌ها را بازرسی می‌کند و این موجب نارضایتی ایرانی‌ها، که نسبت به اموات خود تعصب می‌ورزند، شده است. هزینه دفن در داخل شهر کربلا حدود هزار قران و بیرون از شهر حدود صد قران می‌رسد. این مبلغ را

حکومت ترکیه وضع نموده. در این میان ملاها و فاتح خان‌ها نرخ مخصوص به خود دارند و برای هر جنازه داخل شهر صد قران و خارج شهر بیست و پنج قران می‌گیرند. بعضی نیز، مردگان خود را در صحرا به فاصله یک ساعت از شهر به خاک می‌سپارند. آنجا هم که اموال حاجیان به غارت برده شود و توان هزینه دفن امواتی را که با خود آورده‌اند نداشته باشند، آن جنازه‌ها در دورترین نقاط بیرون شهر کربلا دفن می‌شوند.

ویلیام کنت لوفتس

«در سال ۱۸۵۳ میلادی (۱۲۷۰ق)، در هیاهو و گردوغبار برخاسته از حرکت اسب‌ها و وسایل نقلیه استقبال‌کنندگان، ویلیام کنت لوفتس وارد کربلا می‌شود. حاکم اعلان می‌کند که به زودی با آنان هم غذا می‌شود و پیشاپیش برایشان قهوه و مانند آن می‌فرستد. ماه رمضان بود و هنگامه افطار، که تشکیل می‌شد از مقداری برنج، اندکی سبزی‌های پخته به شکل‌های گوناگون و با عطر لیمو. تنها مشکل این سفره چربی و روغن فراوان غذاها بود که هضم آن را جز برای آنان که گرسنگی از پا درآورده بودندشان ممکن نبود. با این همه وقتی دست‌ها دراز می‌شد و برمی‌گشت، چیزی در ظرف‌ها باقی نمی‌ماند. افطاری با آوردن پاتیلی از شربت رو به پایان می‌رفت. حاضران قاشق‌های خود را که دارای اشکال عجیب بود در ظرف شربت فرومی بردند و با آن عطش روزه خود را فرومی نشانند.»

ادیب الملک

عبدالعلی ادیب‌الملک گردش‌گیر ایرانی بود که در سال ۱۲۷۳ هجری (۱۸۵۶م) درباره سفر خود به کربلا یادداشت‌های مفصلی تنظیم کرد. در سطرهایی از آن سفرنامه می‌خوانیم:

از مسیب تا کربلا پنچ فرسخ راه است. آنان که قصد کربلا دارند در اینجا بار می‌اندازند. با برآمدن آفتاب، خود را برای رهسپار شدن به سوی حرم امام

ابی عبدالله حسین علیه السلام آماده کردم، با توکل و اعتماد بر خداوند. در میانه راه به تل السلام رسیدم و خود را به بالای آن کشاندم. اگر مزرعه های قدیم و جدید نخل مانع دیدنم می شد، قبه حرم مقدس حسینی علیه السلام را می دیدم. با این همه از همان جا زیارتی به جای آوردم و پایین آمدم. چون به خان العطیشی رسیدم، در کنار شهر حسینیّه غذا خوردم و به راه خود ادامه دادم. حدود یک یا نیم فرسخ مانده به کربلا باغ های انبوه چشم هر رهگذری را به خود جلب می کند و در یک فرسخی کربلا پل البیضاء وجود دارد که با گذشتن از آن زائران به آرزوی خود، یعنی حضور در آن شهر مقدس، نائل می شوند. در راه کربلا، سایه های نخل های کنار جاده سایه بان زائران مشتاق حسینی است و چون نگاه ایشان به آب نهر می افتد، به یاد حسین بن علی علیه السلام و عطش جانکاه او در روز عاشورا قطره های اشک بر چهره شان جاری می گردد. پیش از ورود به کربلا یکی از خدام به پیشوازم آمد و مرا برای ورود به حرم و رفتن به جاهای مختلف آن راهنمایی کرد. برای ورود باید هر اسلحه که داشتیم تحویل می دادیم. در نزدیکی صحن حرم عباس علیه السلام به خانه حاج غلام علی الشماع رفتیم و آنجا منزل گرفتیم. هنگام غروب حمام کردم و به همراهی سنیّه درویش، که یکی از خادمان و قاریان حرم مطهر بود، به زیارت مشرف شدیم. وارد حرم مطهر حسینی شدم و ضریح مطهر امامی را که در راه خدا و بآلب تشنه در میان دو نهر مظلومانه به شهادت رسید و سرش را از قفا بردند بوسیدم و احترام کردم.

سیف الدوله

از جمله زائران کربلا سیف الدوله سلطان محمد فرزند فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۷۹ هجری (۱۸۶۲ م) است. وی در این باره می نویسد:

از آغاز راه کربلا، یعنی نهر حسین تا شهر مقدس کربلا، چهار ساعت راه است و این مسیر همه اش مزرعه خرماست. بر روی نهر حسینیّه پلی محکم از آجر

ساخته اند که لابد باید از آن گذشت. از این نهر شاخه های بسیار منشعب می شود که باغ های نخل را سیراب می کنند و گذر کردن از آنها گاه با مشکلاتی همراه است. در یک سوم آغاز راه تلی خاکی به نام «تل السلام» قرار دارد که از فراز آن گنبد حرم حسینی قابل مشاهده است. در یک سوم پایان راه، مقابل نخیلات کربلا، کاروانسرای هست ساخته رکن الدوله. پیش از ورود به کربلا باز هم باید از پلی که بر نهر حسینی ساخته شده عبور کرد. عشایر عرب زبان در طول راه به طور پراکنده به زندگی خود مشغول اند.

ژان اونز

این جهانگرد انگلیسی در سال ۱۸۶۴ میلادی (۱۲۸۱ق) از راه المسیب، با گذر از پلی که از قایق های بسته شده به هم روی فرات ساخته شده بود، خود را به کربلا رساند. باغ ها و بوستان های ردیف در دو طرف نهر حسینی مایه شگفتی او بود. از جمله مشاهدات وی مکان هایی بود که در دو سوی نهر برای برداشتن آب تعبیه کرده بودند. اگرچه قافله این گردش گرهنگام غروب به کربلا رسید، اما دروازه را بر آن گشودند. کوچه های کربلا تنگ و تاریک بود، اما نماینده سیاسی ترکیه در کربلا فانوس هایی فرستاده بود تا در پرتو آن بتوان از کوچه ها عبور کرد. به گفته این گردش گر، کربلا شهری است آکنده از جمعیتی که برای زیارت ضریح امام حسین علیه السلام به آنجا سفر کرده اند. فعالیت های تجاری در کربلا نیز رونق بسیار دارد.

عضدالملک

این جهانگرد ایرانی در سال ۱۲۸۴ هجری (۱۸۱۷ق) از کربلا دیدن کرد و در توصیف آن نوشت:

شهر کربلا از جهت ساکنان و وسعت سرزمینی و وفور نعمت ها نسبت به شهر نجف اشرف امتیاز بسیار دارد. پیرامون شهر به وسعت دو یا یک و نیم فرسخ

با باغ‌ها و کشتزارهای فراوان با انواع میوه‌ها و نخل‌ها و مرکبات احاطه شده است. نهر حسینی به فاصله ربع فرسخ از نهر مسیب از این نهر جدا شده، به طرف کربلا جاری می‌گردد.

ناصرالدین شاه

این شاه قاجار در سال ۱۲۸۷ هجری (۱۸۷۰م) به زیارت کربلای معلی مشرف شده است. وی درباره این سفر می‌نویسد:

امروز به زیارت مضجع حسین علیه السلام در کنار قبر حبیب بن مظاهر رفتم و از طریق نردبانی وارد یک زیرزمین شدیم که اتاق کوچکی بود آراسته به آینه‌کاری و نقش‌های زیبا. یک متولی و خادم عهده دار امور آن بود. از این زیرزمین به وسیله دری بزرگ راهی باز می‌شد به زیرزمینی دیگر که می‌گفتند محل فروافتادن امام حسین علیه السلام از اسب بر زمین است و امام از این موضع خود را برزانوان شریف به جایی که قبر شریف اوست کشانده است.

فوک

این شخص از ولایات متحده آمریکا در سال ۱۸۷۴ میلادی (۱۲۹۱ق) از کربلا دیدن کرد. او مصادف با آغاز ماه رمضان وارد این شهر شد و ازدحام مردم برای دیدن ماه نو و نیز هجوم جمعیت در بازارها جهت خرید مایحتاج و خوراکی‌های مناسب ماه رمضان او را به تعجب واداشت. به گفته وی، «درهای مساجد به شکل قابل توجهی باز است و شهر به جنب و جوشی خاص در افتاده. شب‌های ماه رمضان زیباترین شب‌های عالم است که تا کنون مشاهده کرده‌ام. مردم در این شب‌ها به خواندن قرآن و نماز و ادعیه و انجام زیارات و رفتن به دیدار یکدیگر مشغول‌اند و این دیدوبازدیدها تأثیری عمیق در پیوندهای اجتماعی و خانوادگی ایشان دارد و عامل مهمی است در زدودن کینه‌ها و بددلی‌ها و بازگرداندن صفا و صمیمیت از دست رفته. با اتمام ماه رمضان دشمنی‌ها و بدخواهی‌ها که در دل‌ها رسوخ کرده نیز از بین می‌رود».

دیولافوا

این بانوی ادیب فرانسوی در خاطرات خود از کربلا می نویسد:

کربلایکی از مهم ترین مراکز دینی شیعه است. مدارس بزرگ علوم دینی، که طلاب علم حدود بیست و یا بیش از بیست سال عمر خود را در آنها به دانشجویی و رسیدن به مقامات بالای علمی سپری می کنند، قابل توجه است. فارغ التحصیلان این مدارس اهلیت این معنی را دارند که در سمت راهبری مردم و پاسخ گویی به مشکلات اجتماعی و سیاسی و... آنان ایفای نقش نمایند.

در بین راه، کاروان گرفتار تاریکی شب و بارش شدید باران شد. از این در فاصله بین حله و کربلا مجبور شدیم در قریه ای کوچک، که حدود دو کیلومتر از هورهای اطراف راه فاصله داشت، فرود آییم. در این قریه وارد کاروانسرای کوچکی شدیم که اطرافش دکان های متعدد وجود داشت. فضای تاریک محل را فانوس های نفتی روشن می کرد.

به گفته مرحوم جعفر الخلیلی، این کاروانسرا بین طویریج و کربلا واقع است.

پیرزاده

در سال ۱۳۰۵ هجری (۱۸۸۷ م) کاروانی از ایران، که پیرزاده گردش گرایانی در آن بود، به کربلا رسید. وی درباره سفر خود می نویسد:

طی شش ساعت تمام، راه مسیب تا کربلا را پیمودیم و در راهی خشک به موازات نهر حسینیه، که شاخه ای از نهر فرات است، طی طریق کردیم. درشکه های نقل مسافران مسیب به کربلا آماده حرکت بود. درشکه ای به قیمت ۲۴ قران اجاره کردیم. حاج آغا حسین و علی قلی خان و مهدی قزوینی نیز با ما بودند. همگی سوار همان یک درشکه شدیم که چهار عرب را به کمک هم می کشیدند. پس

از هفت ساعت به کربلای مقدس وارد شدیم. اطراف حرم با وجود خانه‌ها و کشتزارها و نخل‌های بسیار در هر مکان آبادان است؛ همچنان که آبادی‌های متعدد نیز به چشم می‌خورد. صحنه گاومیش‌های بزرگ و تنومند، که عددشان به پنجاه رأس می‌رسید، در آب‌های نهر حسینیه دیدنی بود و این را در هیچ جای دیگر ندیده بودم. میهمان‌سراییی که در آن منزل گرفتیم در محله الجدیده واقع بود و با صحن حرم فاصله بسیار داشت. به همین جهت یک شب بیشتر در آن نماندیم و پس از جست‌وجوی زیاد در طبقه دوم خانه آغاسیدتقی دده بکتاشی نزدیک صحن نقل مکان کردیم. کسی که این منزل را برای ما اجاره کرد مشهدی صفر شیرازی بود؛ مردی خدوم و خوش‌اخلاق.

ژان پیترز

این باستان‌شناس آمریکایی در سال ۱۸۹۷ میلادی (۱۳۱۵ق) به شهر مقدس کربلا سفر کرد. وی در این باره می‌نویسد:

شهر کربلا بر کناره شنزار رسوبی حاصلخیزی که به تپه ماهورهای جزیره متصل است بنا شده است. شمار ساکنان آن به حدود شصت هزار نفر می‌رسد. این نشان از آبادی و رونق زندگی در این شهر دارد؛ اما بخش جدید شهر کربلا، که بیرون دیوار قدیمی ساخته شده، دارای خیابان‌های وسیع و سنگفرش‌های منظم است و با وجود دیوارهای کهنه و فرسوده به یک شهر اروپایی می‌ماند.

نواب حمید

وی در توصیف دیده‌های خود از کربلا در سال ۱۹۰۷ میلادی (۱۳۲۵ق) می‌نویسد:

فاصله میان بغداد و کربلا حدود شصت مایل است که با طی چهار مرحله و عوض کردن قاطرها به انجام می‌رسد. در آخرین مرحله، پس از ده ساعت، عصرگاهان به کربلا رسیدیم و نقیب بزرگان بغداد پیش‌تر خانه‌ای برایمان تدارک دیده بود.

صبح روز بعد، به حرم امام حسین علیه السلام رفتیم و زیارت کردیم. بارگاه حسینی شامل سازه‌ای بزرگ و با وسعت و مربع شکل است که از هر طرف آن دری بلند و ستبر باز می‌شود. در اطراف حرم، خانه‌هایی بزرگ در دو طبقه، که عالمان و طلاب علوم دینی در آنها ساکن‌اند، دیده می‌شود. ضریح مقدس و چهار مناره حرم در میانه فضایی مربع شکل قرار دارند و در اطراف قبر حصار و چهارگوش از نقره مشبک کار گذاشته شده. آن‌گاه که زیارت‌مان به پایان رسید به مرقد عباس بن علی علیه السلام، که نزدیک بود، رفتیم؛ بارگاهی کوچک تراز بنای حرم امام حسین علیه السلام. پس از قرائت فاتحه، ساعت نه به سکونتگاهمان برگشتیم و بعد از ظهر به طرف محلی که خیمه‌گاه حسین علیه السلام در اثنای معرکه روز عاشورا بوده به راه افتادیم و سپس از مرقد حرریاحی دیدن کردیم. صبح روز بعد با عرابه‌های پُستی به نجف اشرف، که پنجاه مایل از کربلا فاصله داشت، رهسپار شدیم.

امانوئل فتح الله

وی در خلال دیدارش از کربلا در سال ۱۳۲۹ هجری (۱۹۱۱م) در توصیف شهر می‌گوید: از دیدن شهر کربلا بسیار مسرور شدیم؛ به خصوص بخش تازه‌ساز این شهر (شهرنو) که همه کوچه‌ها و جاده‌های آن در پرتونور قندیل‌ها و چراغ‌های روغنی برخوردار از روشنایی است. کسی که از بغداد به کربلا می‌آید اگر به دیدن راه‌های وسیع و جاده‌های عریض عادت نداشته باشد و یا اگر از شهرزوراء بیرون نیامده باشد، دیدن اول بار این خیابان‌های گل‌وگشاد (که هوا و باد بدون هیچ مانعی در آنها جریان می‌یابد و خبری از کوچه‌ها و گذرگاه‌های تاریک و پرپیچ و خم - چنان‌که در بغداد و اغلب شهرهای عثمانی دیده می‌شود - نیست) هر رهگذری را به شگفتی و تحسین وامی‌دارد. پس از ورود به کربلا در خانه یکی از تجار شهر به نام سید صالح سید مهدی، که استراحتگاهی برایمان تدارک کرده بود، رفتیم و یک روز و دو شب آنجا ماندیم. در اولین شب،

براتفاق میزبان خود، از جاهای مختلف و زیارتگاه‌های شهر دیدن کردیم. در طی این دیدار به قهوه‌خانه‌هایی برخوردیم که بسیار مرتب و منظم بود. نیز مدارس بزرگ و مساجد زیبا و تکایای خوش ساخت و مهمان پذیرهای پر از مسافر و خانه‌های باشکوه و نه‌رهای جاری و باغ‌ها و درختان پرمیوه بسیار مشاهده کردیم و خلاصه کربلارا از مهم‌ترین شهرهای عراق یافتیم که از ثروتی وسیع و تجارتی پرسود و زراعتی پیشتاز و صنایعی پررونق و زبازد برخوردار بود؛ چندان که بعضی صنعتگران این شهر از مهارتی فوق صنعتکاران بغداد بهره‌مند بودند؛ به خصوص در گلدوزی و زری بافی و منبت‌کاری و زرکوبی و ریخته‌گری و خوش خطی و مانند آن کارشان بسیار گران‌قیمت تر و نفیس‌تر از اشکال و نگاره‌های بدیع عربی و هندی و فارسی بود.

سید محمد هارون الحسینی

وی پس از دیدار خود از کربلا در سال ۱۳۲۸ هجری (۱۹۱۰ م) فصلی حدود شصت صفحه در باب توصیف کربلا به نگارش درمی‌آورد و درباره اهالی این شهر مقدس می‌گوید: بارها ایشان را آزمودم و به چشم خود دیدم که این مردمان از جام‌های اخلاق حسنه نوشیده‌اند و وجودشان قالب یافته از صدق و راستی است و بی‌هیچ اغراقی انسان‌هایی فروتن و بی‌تکبر و صادق‌الوعد و عدالت‌منش در رفتار با دوستان و بیگانگان هستند؛ به خصوص بازاری‌ها از هر صنف و طبقه‌ای از چنین اخلاق فاضله‌ای برخوردار بودند. تجار و فروشندگان در خرید و فروش کالاهای خود پیمانانه را تمام می‌دادند و هیچ‌اهل کم‌فروشی نبودند و با روی گشاده خریدار را می‌پذیرفتند و با زبان نرم و اخلاق آسان‌گیر خود با او مواجه می‌شدند در معامله نیرنگ نمی‌زدند و رابطه دوستانه با غیر را نمی‌گسستند. با ورود هر مهمانی به پیشوازش بلند می‌شدند و خوشامد می‌گفتند و سروچشمان وی را بوسه می‌زدند و او را به احترام پیش می‌انداختند و خود از پی می‌آمدند.

لیدی دراود

این نویسنده غربی در سال ۱۹۲۳ میلادی (۱۳۴۲ق) از کربلای مقدس دیدن کرد و در توصیف آن نوشت:

دکان‌ها در بازار کربلا آکنده از کالاهای مختلف است. عطاری‌های بسیاری در بازار به خرید و فروش عطر مشغول‌اند. اگر بخواهی بوی عطری را آزمایش کنی یا عطری بخری، به همان اکتفا نمی‌کنند و نمونه‌های متعدد دیگر را پیش می‌آورند و در دسترس قرار می‌دهند. فروشگاه‌های سنگ‌های قیمتی و جواهرات نیز در بازار فراوان است که پارچه‌های طلاکاری شده و صندوقچه‌های مخصوص دعا و تعویذ یا پاره‌ای از قرآن و خلخال‌های طلایی و نقره‌ای و اسباب بازی کودکان و مانند آن را می‌فروشند نیز کم نیستند. می‌توانی هر نوع تسبیح را از آنجا بخری که از چوب زیتون یا شیشه یا کوبا ساخته و مانند آن ساخته شده‌اند.

ماحی المصری

جهان‌گرد مصری، محمد مصطفی الماحی، سال ۱۹۳۴ میلادی (۱۳۵۳ق) موفق به زیارت کربلا شد. وی در این باره می‌نویسد:

کربلا دو بخش است: کربلای قدیم شامل ویرانه‌های برجای مانده از آن شهر در گذشته‌های دور و کربلای نو که مدحت پاشا در سال ۱۲۸۵ هجری نقشه آن را طراحی کرد و به اجرا درآورد. کربلا از بغداد حدود ۱۲۰ کیلومتر فاصله دارد و یک خط آهن به موازات نهر حسینیه در میانه باغ‌های نخل و کشتزارها این دو شهر را به هم متصل می‌سازد.

محمد ثابت

این نویسنده مصری در توصیف دیده‌های خود از شهر مقدس کربلا می‌نویسد:
صبح زود به قصد کربلا از نجف به راه افتادم و با ماشین طی سه ساعت به

مقصد رسیدم. در بسیاری جهات به نجف می مانست؛ کوچه های تنگ و پیچ در پیچ در سایه بالکن های مقابل هم. کربلا دومین شهر مقدس شیعه است و اگر بگویم که نجف سیر متفکر شیعه است، کربلا را باید قلب تپنده آن به شمار آورد. به همین جهت این شهر بیش از نجف در نگاه شیعیان قدسیت و عظمت معنوی دارد. اینجا مرد و زن و کودک و پیر در شهادت حسین علیه السلام می گیرند. واقعه عاشورا و یادآوری آن حماسه عجیب در نگاه شیعه چنان بزرگ و در یادماندنی است که حماسه اهل بابل و گریستنشان بر کشتار تموز. من در این شهر قبر حسین ابن علی علیه السلام را زیر گنبدی از طلا در میان جمعیتی انبوه از زائران زیارت کردم؛ به خصوص در ماه محرم شمار کثیری از مسلمانان به این مکان مقدس روی می آورند. در مکانی دیگر، مقبره عباس بن علی علیه السلام برادر امام حسین علیه السلام قرار دارد. با اینکه عباس برادر حسین علیه السلام است، اما قسمی را که به نام او خورده شده هرگز نباید شکست. هنگام زیارت نگاهمان به چیزی شبیه یک انسان، که بر سقف زیارتگاه عباس نقش شده باشد، افتاد. به ما گفتند این سرمتعلق به کسی است که سوگند خود به عباس را شکست و سرش از تن جدا شد و به سقف چسبید. اینان معتقدند هر کسی چنین کاری بکند به همین سرنوشت دچار می گردد.

عبدالوهاب عزام

در سال ۱۹۳۹ میلادی (۱۳۵۸ق) عبدالوهاب عزام، جهان گرد و ادیب مصری، به زیارت کربلا رفت و در کتاب رحلات خود چنین به توصیف پرداخت:

از روی پل هندیه، فرات را پشت سر گذاشتیم و به طرف کربلا جانب شمال غربی را پیش رو قرار دادیم و پس از یک ساعت پیمودن راه امیدوار بودیم که نیم ساعت دیگر وارد شهر کربلا شویم؛ اما گرفتاری های راه مانع این امر شد؛ چراکه

قسمتی از گل و شل بود و ماشین‌ها یکی پس از دیگری در آن گیر می‌کردند. بالاخره نگاهمان به باغ‌های کربلا روشن گردید. دو ساعت و ربع در راه بودیم. گذر از میان باغ‌ها و نخلستان‌ها نیم ساعت به طول انجامید تا اینکه وارد شهر شدیم و به یک مدرسه متوسطه رفتیم که مدیر و معلمین آن با همه امکانات پذیرایی‌ها در انتظارمان بودند. اندکی استراحت کردیم و آن‌گاه به طرف حرم مقدس حسین بن علی علیه السلام به راه افتادیم. آنجا با بارگاهی همانند بارگاه کاظمیه عظیم و زیبا و باشکوه مواجه گشتیم. از در ورودی به صحنی وسیع پای نهادیم. در طرف چپ صحن، عده‌ای در صف‌های منظم در حال سینه زدن بودند و مقابلشان روی منبر کسی شعر می‌خواند و مداحی می‌کرد و در طرف راست جمعیتی از زن‌ها نشسته بودند و در حال گوش دادن به سخنران، گریه و شیون سر می‌دادند.

آن روز ایام سوگواری امام علی بن ابی طالب علیه السلام بود. در داخل حرم قاریان و دعاخوانان به قرآن و دعا مشغول بودند. ضریح مبارک را زیارت کردیم. شکوه آن مکان مانع می‌شد که بتوانیم به راحتی جمال و زینت و آرایه‌های چشمگیر حرم را از نظر بگذرانیم. نزدیک حرم حسینی علیه السلام حرم دیگری است متعلق به عباس بن علی علیه السلام. در این مکان سردابی قرار دارد که از ده پله نردبان پایین رفته، وارد آن می‌شوند. این سرداب به مکانی پوشیده با پنجره‌ای آهنین، که به آن «مذبح» می‌گویند، راه دارد. می‌گویند آن‌گاه که حسین علیه السلام در فاجعه کربلا به شهادت رسید خون وی از این مکان جوشیدن گرفت. البته به روایتی دیگر آنجا محل ولادت عیسی بن مریم بوده است. در این حرم، اتاکی وجود دارد که در آن بعضی شاهان قاجار دفن شده‌اند که آخرینشان احمدشاه و پدرش محمد علی شاه و جدش مظفرالدین شاه است. در نزدیکی قبرها، تصویر این شاهان را نقش کرده‌اند.

آمل مروه و دیگران

در سال ۱۹۵۰ میلادی (۱۳۷۰ق) گروه روزنامه نگاران لبنانی سوری، پس از دیدار از کویت، وارد عراق می‌شوند و از کربلا نیز دیدن می‌کنند. در توصیف این شهر می‌نویسند:

حرم مولای ما، حسین علیه السلام، هنگامی که وارد آن شدیم مملو از زائران با رنگ‌ها و جنسیت‌های مختلف بود. گرداگرد ضریح مقدس را گرفته بودند و می‌کوشیدند چهار گوشه ضریح را که از نقره خالص ساخته شده بود ببوسند و در همان حال با صداهای خاص متهجدین و اهل رازونیا با خداوند آیات روشن قرآن را تلاوت می‌کردند و با دست‌های تهی و نیازخواه و چشم‌های گریان و عنایت‌طلب، روبه ضریح، سرود استغاثه و آمرزش می‌خواندند. نزدیک دیوار حرم بیماران و دردمندان - در حالی که چشم به ضریح دوخته بودند - به صاحب حرم توسل می‌جستند و از خداوند می‌خواستند که یا آنها را شفا بخشد و یا بمیراند. بسیاری از آنها آرزو داشتند همان جا بمیرند و در سرزمینی که جسم پاک حسین علیه السلام را در بر گرفته به خاک سپرده شوند. همه این امور در کنار دیوارهایی ضخیم و مستحکم و بی‌نظیر در دنیا در حال رخ دادن بود. دیوارهای حرم با مخلوطی از نقره و جواهرات کار شده بود و روکش مآذنه‌ها از طلا و سقف‌ها یک سره کاشی‌کاری و معرق‌کاری بود به دقیق‌ترین و زیباترین و شکوهمندترین شکل ممکن در ساخته‌های انسانی، و زیر این زمین مقدس با ارزش‌ترین گنج‌های عالم دفن شده بود.

منابع

۱. ادیب‌الملک، عبدالعلی (۱۴۰۴ق)، سفر به عتبات، تصحیح مسعود گلزاری، تهران.
۲. اصفهانی، ابوطالب بن محمد (۱۹۶۹م)، سفر به عراق و اروپا، ترجمه به عربی: د. مصطفی جواد، بغداد.
۳. اونز، ژات (۱۹۹۶م)، سفرنامه، بیروت.

۴. اولیویه، گیوم آنتوان (۱۴۰۸ق)، سفر به عراق، ترجمه د. یوسف رحبی، مطبعة المجمع العلمی العراقي، بغداد.
۵. برژین، ایلیا نیکولویچ (۱۹۹۶م)، مشاهدی در کنار فرات، بیروت.
۶. پیترز، ژان (۱۹۹۶م)، سفرنامه، بیروت.
۷. پیرزاده، محمدعلی (بی تا)، سفرنامه، به قلم حافظ فرمانفرمانیان.
۸. تشیرا، پدرو (۱۹۰۲م)، سفر به عراق، لندن.
۹. ثابت، محمد (۱۳۵۴ق)، جولة فی ربوع المشرق الادنی بین مصر و افغانستان، قاهره.
۱۰. چریکوف (۱۸۷۵م)، دفتر خاطرات سفر من، تنظیم دفترگروه جغرافیای روسیه، سنت پترزبورگ.
۱۱. الحسینی، محمدهارون (۱۴۱۳ق)، «الرحلة العراقية»، مجلة الموسم، ش ۱۴.
۱۲. درایود، لیدی (۱۹۶۱م)، در سرزمین رافدین: تصاویر و خاطرات، ترجمه فؤاد جمیل، بغداد.
۱۳. سفرنامه عتبات، تصحیح ایرج افشار، مطبعة رسیدیه، تهران.
۱۴. دیولافوا، ژان (۱۹۵۸م)، سفر به کلدیه عراق، ترجمه علی البصری، بغداد.
۱۵. سیف الدوله، محمد میرزا (۱۳۶۴ق)، سفرنامه، ترجمه علی اکبر خداپرست، تهران.
۱۶. طنجی، ابن بطوطه (۱۹۳۹م)، تحفة النظار فی غرائب الامصار، تحقیق د. محمد مصطفی زیاده، قاهره.
۱۷. عزام، عبدالوهاب (۱۳۵۸ق)، رحلات، مطبعة الرساله، قاهره.
۱۸. عضدالملک، علیرضا (بی تا)، سفرنامه به عتبات، ترجمه و تصحیح حسن مرسلوند، تهران.
۱۹. فریزر، جیمز بیلی (۱۹۹۶م)، سفرنامه.
۲۰. فولیه، رافائلا (۲۰۰۱م)، سفر به عراق، ترجمه و تحقیق د. بطرس حداد، شركة الديوان للطباعة، بغداد.
۲۱. فوک (۱۹۹۶م) سفرنامه، بیروت.
۲۲. قاجار، ناصرالدین شاه (۱۳۶۴ق)، سفر به عراق، ترجمه و تحقیق د. بطرس حداد، شركة الديوان للطباعة، بغداد.
۲۳. کرملی، فیلیپ (۱۹۹۶م)، سفرنامه، بیروت.
۲۴. لوفتس، ویلیام کنت (۱۹۹۶م)، سفرنامه، بیروت.
۲۵. مجلة لغة العرب (۱۳۱۹ق)، ش ۴.

۲۶. مجلة المورد (۱۴۱۰ق)، ش ۴.
۲۷. مدنی، عباس (۱۹۶۷م)، نزهة الجلیس و منیة الادیب الانیس، المطبعة الحیدریه، نجف.
۲۸. مروه، أمل (۱۹۵۰م)، ستة فی طیارة، دارالحیة، بیروت.
۲۹. منشی بغدادی، محمد بن احمد (۱۹۴۸م)، سفرنامه، ترجمه عباس العزاوی، بغداد.
۳۰. نیپور، مارستن (۱۹۵۵م)، سفری از بصره تا حله، ترجمه سعادهادی العمری، بغداد.

